

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۲

عنوان: جایگاه میدان نقش جهان اصفهان از دیدگاه تاریخی، اجتماعی، معماری و شهرسازی

سخنرانان و اعضای پنل: آقای دکتر علی طاهری، آقای دکتر محمد مهدی محمودی، آقای دکتر حسین سلطان زاده و آقای دکتر علی مرادی

چکیده ای از سخنرانی ها به قرار زیر است:

سخنران اول آقای دکتر علی طاهری، ایشان در شروع سخنان خود به بررسی تاریخ از دو منظر، یکی تاریخ به عنوان جریان و دیگری تاریخ به عنوان گزارش پرداخته و در ادامه افزودند: انسان در تاریخ است که انسان می شود. افرادی مانند مارکس، هگل و... نیز انسان را موجودی تاریخی می دانند.

در فلسفه علم و روش شناسی، نحوه و میزان تاثیر رهیافت های پژوهشگر در بررسی و نتیجه گیری، مهم و از این میان، دو رهیافت پدیدار شناسانه و اصالت تاریخ از اهمیت بیشتری برخوردارند. رهیافت پدیدار شناختی را که اعتبار معانی تثبیت شده ارزش های نمادین رویدادها و شخصیت ها را در همدلی با آنها می داند، نمی توان با اصالت تاریخ تبیین های پوزیتیویستی از آن جمع نمود. برای آنهايي که به تاریخ سر سپرده اند باورها و ارزش های فاعل شناسان یعنی سوژه، به اندازه تبادلی رویدادها در تاریخ اهمیت دارد، در واقع تصور آنها از تاریخ به روشی که فاعل شناسان آنرا تصور می کند مبتنی است. از سوی دیگر معتقدان به اصالت تاریخ، تاریخ را به کار می گیرند تا ارزش ها را تبیین کنند. پدیدار شناسی صرفاً به معنای خودآگاه و ناخودآگاه باور یک فرد مربوط می شود در حالیکه اصالت تاریخ با تاثیر این باور در تاریخ و پیوند آن با نیروهای اجتماعی و تاریخی و نیز نیروهای روانشناختی متأثر از آن سر و کار دارد. پژوهش های متعارف در ایران اغلب با اتکا به منابع تاریخ نگارانه است و در حوزه روش با استفاده از روش های توصیفی تبیینی سامان یافته اند.

تاریخ ایران دارای سه ویژگی عمده و خاص می باشد: اول، نخستین امپراطوری است که در خود ایجاد کرده و نزدیک به هزار سال نیروی برتر آسیا و یکی از دو نیروی اداره کننده جهان است، دوم، آنکه طی زمانی نزدیک به هزار سال، تمدن، ویژگی های قومی و ملی خود را حفظ کرده و سوم آنکه پس از اسلام امپراطوری فرهنگی را جانشین امپراطوری سیاسی نموده و همچنان که هیچگاه از حضور مؤثر در صحنه حوادث جهان بر کنار نمانده، فرهنگ و پس از آن اندیشه سیاسی ایران، از دوران پیشین به روزگار پسین راه پیدا می کند. در حقیقت پیوند فرهنگ کهن ایران و فرهنگ اسلامی موجب پدید آمدن فرهنگی خاص شد. تداوم تاریخی و فرهنگی ایران یکی از پر اهمیت ترین مسائل تاریخ و فرهنگ این سامان است، سه عنصر زبان، اندیشه فلسفی و اندیشه سیاسی از مهمترین و عمده ترین عوامل

تداوم تاریخ هویتی و فرهنگی ایرانیان می‌باشد.



دکتر طاهری در پایان گزارشی در مورد تاریخ اصفهان ارائه نمودند. این گزارش از دو جهت به عنوان یک بحث عام به بررسی آن می‌پردازد؛ صفویه، موجودیت و علل پیدایش آن و دیگری خود اصفهان. این دو لازم و ملزوم یکدیگر شناخته شده‌اند. نقش علویان در ایجاد دولت صفویه بسیار مهم بوده و اندیشه علوی‌گری در تاریخ و در ایجاد نظام سیاسی اصفهان تاثیر داشته است.

سخنران دوم آقای دکتر محمد مهدی محمودی، ایشان ابتدا به بیان تاریخچه میدان نقش جهان اصفهان پرداخته و فرمودند: این میدان حدود سال ۱۰۰۰ تا ۱۰۵۰ هجری قمری شکل گرفت. در سال ۱۳۱۳ ثبت ملی ایران شده و در سال ۱۳۵۸ به عنوان نخستین اثر ایرانی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت گردید. تا پیش از دوره صفویه، در جایگاه کنونی این میدان، باغی به نام نقش جهان وجود داشته که بناهای فرمانروایان تیموری در آن واقع شده بود. در زمان سلجوقیان این باغ هم محل برپایی مراسم اعدام بوده و هم جشن‌های نوروزی در آن برگزار می‌شده است. در زمان ساخت در تقابل با میدان کهنه که مسجد جامع در آن واقع است این میدان نو ساخته می‌شود. اگرچه تناسبات و ابعاد میدان در عین منحصر به فرد بودن زیبا به نظر نمی‌رسد ولی در مجموع با حضور چهار بنای اصلی زیبا شده است. این میدان در سده یازده هجری قمری بزرگترین میدان جهان بوده و فعالیت‌های متعددی از جمله چوگان، پروژه ارتش چراغانی، نمایش‌های گوناگون، ورزش‌های گوناگون، بزرگترین جمعه بازار، جشن‌های ملی و پیروزی در جنگ‌ها در آن انجام می‌گرفت. بدنه میدان در ابتدا یک طبقه ساخته شده بود و سپس دو طبقه شد. چهار بنای زیبا در چهار طرف آن وجود دارد: سر در بازار، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف الله و کاخ عالی قاپو. هر کدام از چهار عنصر در عین منحصر به فرد بودن و خصوصیات هنری و معماری و عملکردی ویژه، اشاره‌ای به معماری گذشته و نیز نوآوری زمان خود دارند. بناهای موجود شامل کاخ و مسجد و بازار در آن زمان مفاهیم معماری ایرانی از جمله عقب نشینی پیشین فضا و سلسله مراتب را رعایت کرده‌اند و اینکه هر کدام به نسبت ابعاد و اندازه، عملکرد خود را داشته‌اند و در عین خاص بودن نسبت به عملکرد خود، در هنر نمایی و تزئینات افراط و تفریط نکرده‌اند. بناهای موجود در میدان از نظر تکنولوژی در زمان خود حرف اول را می‌زدند. درختان میدان از جنس برگ ریز بوده که هم با اقلیم هماهنگ بوده و هم فصول را نشان می‌داده و نیز اینکه در نتیجه آن، نماها آشکار و پنهان می‌شدند.

دکتر محمودی در ادامه پیش فضای عظیم ورودی، عظمت ابعاد و آرامش در داخل، جهت قبله و نمای درون و بیرون، کاشی کاری، رنگ، نور، سایه، آب و سکوت مسجد امام را با پیش فضای آرام و در عین حال روحانی ورودی، هنر، تکنیک، رنگ، تغییر محور، نور و آسمان در داخل مسجد شیخ لطف الله مقایسه نموده و نکاتی در خصوص بنای کاخ عالی قاپو و سر در بازار را یاد آور شدند که از آن جمله می‌توان به مواردی چون بر هم زدن مفاهیم ثابت معماری ایرانی مانند سلسله مراتب ورودی، دژ بسته در پایین و شفاف در بالا، تسلط دید به همه از بالا، نشان از قدرت و حاکمیت از دید میدان، هنر حکومتی و نقاشی و گچبری و تزئینات ایرانی غیر مذهبی در کاخ عالی قاپو و نیز به رنگ و بوی تجاری، تزئینات کمتر، پیش فضای کاملاً کاربردی و حجیم‌تر و حس کسب و کار در بدو ورود و در عین حال یادآوری عدالت و دستگاه قضاوت در خصوص امر تجارت و خرید و فروش در زمان خروج از بازار در مورد سر در بازار اشاره کرد.



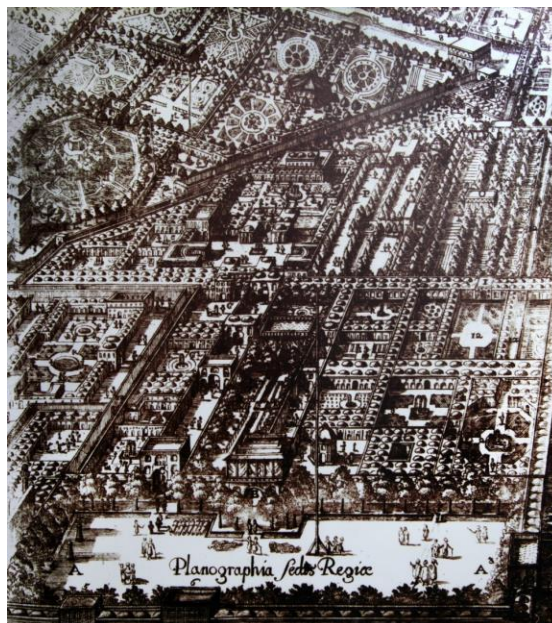
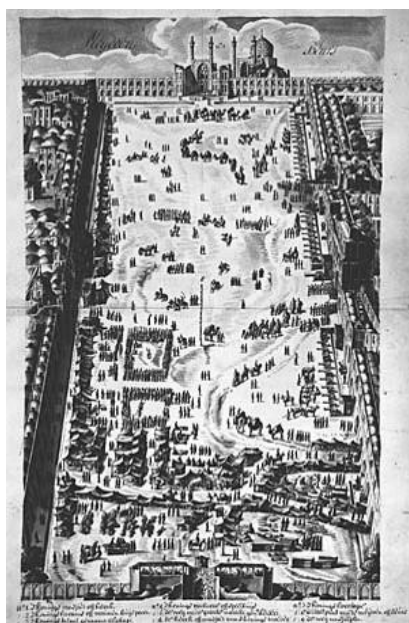
وی در پایان اظهار داشت: "اگر بناها سر جای خود نبودند این تعابیر وجود نداشت و چه از نظر کاربردی و چه به لحاظ بصری جوابگو نمی‌بود؛ و ای کاش امروز میدان نقش جهان فواره نداشت و درختانش همیشه سبز نبودند".

سخنران سوم آقای دکتر حسین سلطان‌زاده، وی در ابتدا ضمن ارائه توضیحاتی در مورد توسعه اصفهان افزودند: تفسیرهای مختلفی در مورد مجموعه چهار باغ شده است اما اهمیت و تقدسی که برای مسجد عتیق قائل‌اند برای این مسجد قائل نیستند این مسجد هیچگاه نتوانسته از نظر تقدس و جایگاه اجتماعی جای مسجد عتیق را بگیرد. همانند الگویی که در تخت جمشید نیز داریم مجموعه تا حدی توسعه می‌یابد که به الگوی کارکردی مناسب برای فرهنگ ایرانی برسد و بعد از آن دیگر تغییر نمی‌کند. علت قرارگیری مسجد شیخ لطف الله در روبروی میدان این است که در طراحی معماری و شهرسازی، چیزی که می‌توانسته در مقابل عالی قاپو و مجموعه دیوانی باشد طبعاً مسجد بوده، هم به لحاظ قداست و هم اینکه فعالیت‌های دیگری در آن صورت نمی‌گرفته. موقعیت قرارگیری مسجد امام در جبهه جنوبی نیز طبیعی است چرا که ورود به مسجد از سمت روبروی قبله صورت بگیرد. دکتر سلطان‌زاده در ادامه به شباهت‌های این مجموعه با بناهای پیش از میلاد پرداخته و فرمودند برخی از شباهت‌ها تصادفی‌اند و توجیه آنها سخت است و نمی‌توانیم بگوییم برنامه ریزی شده است مثلاً جهت میدان با جهت تخت جمشید همساز است. وی در مورد حوض و آب در جلوی خان مساجد اظهار داشت: در جلوی خان مسجد شیخ لطف الله حوضی وجود دارد، در حالی که در بسیاری از مساجد عربی، عثمانی، چین و آفریقا چنین چیزی را نمی‌بینیم. فقط در ایران است که جلوی مسجد حوض

وجود دارد، در اینجا می‌توانیم این فرضیه را بیان کنیم که در ایران باستان هر جا که یک چشمه آب دائم یا آبیگری موجود بوده، حتماً کنار آن بنای آئینی مثل تاق بستان یا تخت جمشید احداث می‌کردند. آب مقدس بوده و در نزدیکی چشمه‌های دائم، آنجایی که میسر بوده یک بنای آئینی احداث می‌کردند. در دوران اسلامی جایگاه مسجد مشخص بوده و در امتداد بازار و راه‌های اصلی قرار داشته و از نظر موقعیت شهری جایگاهش با چارچوب‌های دوران اسلامی سازگار بوده اما گمان می‌کنم که بتوانیم این فرضیه را بدهیم که برای یادآوری تقدس آب، حوض آب کوچکی در جلوی خان‌ها قرار می‌گرفته و این یک تصادف نیست و بازتاب یکی از اندیشه‌ها و پدیده‌های مربوط به دوران گذاشته است.



سخنران سوم آقای دکتر علی مرادی، وی به پدیده نقش جهان از منظر تاریخی و فلسفی پرداخته، چگونگی رسیدن به معماری صفوی از معماری سلجوقی، مباحث نظری که در این خصوص مطرح می‌شوند و بر پایه چه بنیادهای نظری قرار دارند را مورد بررسی قرار دادند. وی با اشاره به اینکه در تاریخ ما همواره به دنبال یافتن خرد خودمانیم، در مورد تاریخ و تاریخ نویسی و نیز شکل‌گیری جریان‌های تاریخی بر اساس دیدگاه‌های مختلف مواردی را متذکر شدند. بر اساس دیدگاه هگل شکل‌گیری تاریخ بر محور دولت صورت می‌گیرد در حالی که در نزد بوکهارت قوه فرهنگ نیروی خالقه تاریخ است. نیچه در «سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی» از رویکرد بوکهارت فراتر رفته و تاریخ را برابر زندگی قرار داد، نیچه «اکنون» را محور کار خود قرار می‌دهد.



دکتر مرادی سپس به اتمسفر پرداخت، اینکه مقوله اتمسفر یک گفتمان زیبا شناسانه جدید است که مفهوم مرکزی اش موضوع شناخت حسی است. اتمسفر مجموع واقعیت ادراک شده است که در تئوری زیبا شناسانه کلاسیک برای آن مفهومی نیست اما در تئوری زیبا شناسی بنیامین رده پاهائی را از آن می توان یافت. بایستی این موضوع را مورد تأیید قرار داد که ما با طبیعت زندگی می کنیم و تا اندازه ای در رسانه طبیعی خاک، آب، باد ما را در این روند قرار می دهند ما می توانیم در این جریان زندگی کنیم و این تجربه این گونه معنا می یابد که انسان تنها یک موجود عقلانی نیست بلکه او یک موجودی است که گوشت و پوست و بدن دارد. باید بتوانیم مولفه های خرد را پیدا کنیم، خردی که در دل فرهنگ شکل می گیرد و دیگر جدایی روح و ماده در آن مطرح نبوده و یک هارمونی پیدا می کند. اگر بتوان بنیادهای نظری آن را پیدا کرد افق های دیگری به تاریخ پیدا خواهیم کرد و نیز بحث بررسی تاریخ از دیدگاه افراد عام مطرح می شود. خرد نقش جهان در تعامل و یا مفتون طبیعت نبوده و این چنین است که در دل کویر باغ می سازد. نوع دیگری از مهندسی را سامان می دهد و این مهندسی تجسمش میدان نقش جهان است این خرد به شهرسازی دنیا کمک کند این چیزی است که به ما در نقش جهان از جنبه تئوریک کمک می کند و مستلزم پژوهش است.